

واکاوی میزان و نقش باورهای مذهبی در حمایت از حقوق زنان با محوریت قانون حمایت از خانواده

نویسه تکوینی مهر^۱

عاطفه حسینی فر^۲

چکیده

هر چند اسلام شدیداً مخالف تبعیض علیه زنان است اما از برابری مطلق آنان جانبداری نمی‌کند. طبیعت زن و مرد را به صورت موجودات مکمل یکدیگر در زندگی و جامعه آفریده است. به همین دلیل برخلاف تمدن غرب، اسلام به زنان و مردان حقوق طبیعی آنها را بخشیده نه حقوق مشابه، اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست با تشابه حقوق آنها مخالف است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منزلت والایی برای زن قائل شده است و در همین ارتباط دولت را موظف نموده است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و به تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و تساوی عموم در برابر قانون تاکید شده است. با توجه به موازین اسلامی حاکم بر کشور در این مقاله قانون جدید حمایت از خانواده که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده را از جهت حمایت از حقوق زنان مورد بررسی قرار می‌دهیم و سه ماده مهم که ارتباطی مستقیم با چالش‌های حقوق زنان دارد بررسی می‌شود. همچنین به سوال اصلی این نوشتار، که آیا این قانون نسبت به قوانین قبلی گامی موثرتر در جهت ثبات بنیان خانواده برداشته است یا خیر؟ پاسخ داده شده است و همچنین به بررسی تطابق این قانون با باورهای مذهبی ایرانیان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

باورهای مذهبی، حقوق زنان، قانون، بنیان خانواده.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، ایران.

Email: nafas.nekouimehr@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و حقوق، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، ایران.

Email: atefehoseinifard@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۲

طرح مسأله

از آنجا که حقوق زنان در مواردی، چنان که شایسته است پاس داشته نمی‌شود «نظام حقوق زن و خانواده» یکی از موضوعاتی است که در جامعه ما باید همواره مورد تحقیق قرار گیرد و همان‌گونه که رهبر نظام فرموده‌اند، حرکتی اساسی در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه اسلامی صورت گیرد ولی این حرکت باید بر مبنای اسلامی بنا شده و هدف اسلامی داشته باشد و نباید از نظر دور داشت که پاره‌ای به آنچه تعالیم اسلامی دربردارد، تجاهل می‌کنند و خواهان تقلید و تطبیق با غرب هستند و هر آن چه را از دین، درباره حقوق خانواده و زن وارد شده، کهنه و ناشی از شرایط خاص مکه و مدینه بیش از هزار سال پیش می‌انگارند غافل از محرومیتی که جامعه غربی دچار آن بوده و برای رهایی از آن، تلاش‌هایی در غرب کرده‌اند که به نتیجه‌ای جز تفریط از سوی دیگر نرسیدند که به نوبه خود، محرومیت‌های ویژه و جدیدی را به دنبال داشته است: "در سال ۱۸۶۶ میلادی زنان انگلیس با ارسال طوماری با بیش از ۱۵۰۰ امضاً به پارلمان بریتانیا خواستار حق رأی گردیدند - در حالی که زنان مسلمان در عصر پیامبر(ص) در پیمانهای سیاسی شرکت می‌جستند - این دادخواست زنان مورد اعتنای پارلمان قرار نگرفت ولی سازمان‌دهندگان آن سال بعد «جامعه ملی حق رأی زنان» را تأسیس کردند و اعضای آن به "خواهان حق رأی زنان" معروف گشتند آنان تا پایان قرن نوزدهم همه ساله به مجلس دادخواست می‌دادند."

این جریان آواخر قرن هیجدهم توسعه بیشتری یافت و به شکل طرفداری از حقوق زنان در برابر مردان در تمام عرصه‌های زندگی تبدیل شد تا اینکه در سال ۱۹۷۹ میلادی منجر به تدوین «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردید و روح اصلی حاکم بر این کنوانسیون، تساوی مطلق و از جمیع جهات بین زن و مرد، تشابه و همانندسازی همه جانبه احکام بدون توجه به جنسیت است. جوامع غربی از افراط به تفریط می‌گرایند و بعد از قرن‌ها محرومیت اجتماعی بسیار زیاد زنان بدون در نظر داشتن تفاوت‌ها و توانایی‌های روحی و جسمی زن و مرد، شعار آزادی و

برابری سر می دهند و هر گونه اختلاف حقوقی را امتیازی برای مرد و تضعیف حقوق زن می پندارند اما اسلام از قرن‌ها پیش، ارزش انسانی زن را برابر مرد دانسته و می فرماید: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ اَخْدَاسْتُ كِه هَمَّهٗ شَمَا - زن و مرد - را از يك جان و روح آفرید. (آنتونی گیونی، ۱۳۷۷: ۱۹۸)

در اصل چهارم قانون اساسی نیز تصریح شده است که کلیه قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشد لذا هر حرکتی برای اصلاح وضعیت اجتماعی، فرهنگی و حقوقی زنان به تصریح قانون اساسی تنها در چارچوب اجتهاد فقهای جامع شرایط پذیرفتی است، لذا با توجه به شرایط فرهنگی و عرفی و آداب و رسوم جامعه متناسب با خواسته ها و نیازهای زمان و مکان و به روز رسانی نظر فقهای اسلامی امکان اصلاح قوانین و مقررات در کشور ایران در خصوص زنان و حقوق آنان امکان پذیر می باشد.

در حقوق ایران حق مساوی زن و مرد برای ایجاد علقه زوجیت و عقد نکاح از جهت اینکه قصد و رضای طرفین لازم است تامین شده است، به محض جاری شدن عقد نکاح تکالیف قانونی به عهده زن و مرد قرار می گیرد و هر کدام دارای حقوقی مشخص هستند در قانون مدنی در باب خانواده، حقوق خانواده، شرایط تشکیل خانواده و انحلال آن، روابط زوجین با یکدیگر و فرزندان و ضمانت اجرای حقوق و تکالیف زن و شوهر تعیین شده است. با توجه به نقش مهمی که زن در خانواده دارد و حقوقی که در خانواده از آن برخوردار است در این نوشتار درصدد بررسی مهم ترین حقوق زنان در خانواده که امروزه مورد بحث محققان حقوقی و مدافعان حقوق زنان قرار گرفته است برآمدیم. امروزه در خصوص بحث مهریه و تعدد زوجین و ثبت ازدواج موقت اختلاف نظرات زیادی در جامعه به وجود آمده است از همین رو در این مقاله سعی شده است تا با نقد و بررسی قانون جدید حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ به سوال های ذیل پاسخ دهیم:

۱- آیا مهریه سبب ثبات بنیان خانواده می شود؟

۲- آیا محدودیت‌های مطرح شده مهریه در قانون حمایت از خانواده به نفع خانواده است یا خیر؟

۳- تعدد زوجین چه منافاتی با حقوق زنان دارد؟

۴- آیا محدودیت‌های عنوان شده در خصوص تعدد زوجین، در قانون حمایت از خانواده، گامی در جهت ثبات بنیان خانواده است؟

۵- تیت ازدواج موقت چه تاثیری بر حقوق زنان دارد؟

۶- آیا قانون جدید حمایت از خانواده توانسته است مشکلات در خصوص ازدواج موقت را حل کند؟

۱- بررسی حقوق زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و موازین اسلامی است. اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را تأمین نماید. همچنین بر رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تأکید دارد. در این اصل بر مشارکت زنان در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره شده و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه چه زن و مرد در تمام سطوح را از وظایف دولت شمرده است. در اصل بیستم قانون اساسی همه افراد اعم از زن و مرد بطور یکسان در حمایت قانون قرار دارند. اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت را موظف کرده است که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. همچنین ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی سر لوحه وظایف دولت است (کدیور، ۱۳۷۵: ۱۳۸).

حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و پشتیبانی از کودکان بی سرپرست وظیفه دیگری است که بر عهده دولت گذاشته شده

است. ایجاد امنیت قضایی با ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان خانواده و بقای امنیت آن برای حضور زنان در محاکم و دادرسی فراهم شده است. زنان در هنگام ازدواج و تشکیل خانواده حقوق و مسئولیتهایی دارند که حق تعیین شروط ضمن عقد و ضمانت اجرایی شروط مندرج در حین زندگی مشترک، حق ثبت رسمی ازدواج زن از حقوق مالی در ایام زوجیت مانند مسکن مناسب، هزینه های جاری اعم از خوراک، پوشاک، هزینه های بارداری و شیر دهی فرزند و پشتوانه مالی تحت عنوان مهریه یا کابین زن از جمله حقوق ضروری و اولیه ازدواج می باشد. حقوق زنان به هنگام انحلال خانواده و متارکه از نکات قابل توجه در قانون اساسی است. زن در صورت عدم امکان سازش پس از مراجعه به دادگاه صالح حق جدایی از همسر را دارد. مثلا در ایام عده حق سکونت در منزل مشترک را دارد و هزینه زندگی او برعهده مرد است و پس از انقضای مدت عده برخوردار از حق ازدواج است. در خصوص نگهداری و حضانت فرزند تا سن هفت سالگی حق و مسولیت با مادر است و حمایت مالی از سوی پدر است و در صورت انقضای یا اسقاط دران حضانت، حق ملاقات با فرزند محفوظ است. همچنین حق مالکیت بر اموال و دارایی های شخصی و حق برخورداری از بهداشت محیط کار، دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم از حقوق مندرج در قانون اساسی میباشد. زنان از همسر و پدر و فرزند ارث میبرند و در برابر انجام امور خانه داری و یا شیر دادن فرزند حق دریافت دستمزد از همسر دارند. همچنین حق تعیین مهریه از سوی زن در زمان وقوع عقد ازدواج و دریافت آن از همسر و هر گونه دخل و تصرف در آن از جمله پشتوانه مالی و اقتصادی زنان جامعه ایران است (زاهدی، ۱۳۹۲: ۱۲).

۲- نگاهی تاریخی به قوانین مربوط به حقوق زنان در ایران

تا قبل از سال ۱۳۴۶ قوانین مربوط به نهاد خانواده به طور پراکنده در قوانینی مانند قانون مدنی آمده بود ولی لزوم توجه هر چه بیشتر به نهاد خانواده این الزام را برای مقنن بوجود آورد که به شکل اختصاصی بپردازد. اولین قانونی که به شکل خاص به نهاد خانواده پرداخت قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ است. از مهمترین نوآوری های

این قانون میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲. محدود کردن اختیار مرد در طلاق

تا قبل از تصویب این قانون بر اساس ماده ۱۳۳ قانون مدنی، مرد میتوانست زن خود را بدون رعایت تشریفات خاصی طلاق دهد و در واقع این اختیار مرد در خصوص مطلق بود ولی در این قانون طبق ماده ۸ آن قانون اجرای صیغه طلاق موکول به رسیدگی دادگاه و صدور گواهی عدم سازش شده است و ضمن آنکه در تقاضا نامه صدور گواهی بایستی علل تقاضا به شکل موجه قید میشد (صانع پور، ۱۳۷۸: ۴۵).

۲-۲. محدود کردن اختیار مرد برای ازدواج مجدد

ماده ۱۴ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ اختیار مرد برای ازدواج مجدد را موکول به اخذ اجازه از دادگاه کرده است و دادگاه در صورتی میتواند به مرد اجازه ازدواج مجدد دهد که توانایی مالی مرد و قدرت او به اجرای عدالت احراز کرده باشد و برای مردی که بدون اجازه دادگاه ازدواج کند مجازات تعیین کرده است. و در صورتی که چنین اتفاقی بیوفند زن اول میتواند از دادگاه تقاضای طلاق کند.

۳-۲. محدود کردن اختیار مرد در منع اشتغال زن

بر اساس ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، شوهر میتواند زن خود را از اشتغال به اموری که با مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا خانواده او منافات داشت منع کند. در واقع شوهر به تشخیص خود میتواند زن خود را از اشتغال منع کند ولی در ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ قید با تایید دادگاه به آن اضافه شد.

۳. نقد و بررسی مادهی ۲۳ لایحهی حمایت از خانواده (تعددزوجه)

تک همسری طبیعی ترین و متعارف ترین شکل زناشویی است. تعدد زوجات از ابتکارات اسلام نبوده بلکه آن را به عنوان یک پدیدهی اجتماعی با توجه به مصالحی و در شرایط استثنایی و مشروط به شرایطی از جمله رعایت عدالت میان همسران به شکل امضایی پذیرفته است. تعدد زوجات یک مسئلهی شخصی نیست و باید قانون گذار با رویکرد اجتماعی و حقوقی و با احراز شرایط لازم به عنوان شرایط صحت چنین ازدواجی

آن را اجازه دهد. لایحه‌ی جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۸۶، برخلاف قوانین حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ در زمینه‌ی تعدد زوجات بسیار ناقص و مبهم است. برای نمونه، ماده‌ی ۲۳ این لایحه، نه تنها به مفهوم عالی عدالت در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، که شرط تعدد زوجات در اسلام است، توجهی ننموده بلکه مفهوم عدالتی را که در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ مطرح بود نادیده گرفته است. قانون‌گذار جدید، احراز توانایی مالی مرد را تنها شرط تعدد ازدواج دانسته، زیرا صرفاً به تعهد اجرای عدالت بین همسران که علاوه بر اینکه مستند فقهی ندارد، فاقد ضمانت اجرای مدنی و کیفری می‌باشد، اشاره نموده است. لایحه‌ی جدید، بدون توجه به واقعیت جامعه و مقتضیات زمان و مکان، رضایت همسر اول را شرط تعدد زوجات نمی‌داند و به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه چنین شرطی نمی‌تواند غیرمشروع باشد، دارای آثار و فواید فراوانی در جهت حسن معاشرت زوجین، تشدید مبانی خانواده و استحکام و ثبات آن است (رهنورد، ۱۳۶۶:۱۴).

در جهت حفظ مصلحت خانواده‌ها و جلوگیری از سوء استفاده‌ی برخی مردان از تعدد زوجات و تثبیت نظارت قضایی و با استفاده از ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، مواد ۸، ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، ماده‌ی ۱۰۴۳ و تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۴۴ و ماده‌ی ۱۰۴۹ قانون مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۲۳ و ۴۷ لایحه‌ی جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۸۶ هیئت دولت، مواد ۲۳ و ۲۴ با تبصره‌های چهارگانه آن به عنوان جایگزین ماده ۲۳ لایحه اخیر، پیشنهاد می‌گردد:

ماده ۲۳- اختیار همسر دائم و موقت بعدی از سوی مرد با داشتن همسر، منوط به اجازه‌ی دادگاه پس از احراز موارد زیر به صورت توأمان است: ۱- توانایی اجرای عدالت میان همسران. ۲- توانایی مالی مرد. ۳- رضایت همسر یا همسران فعلی. دادگاه با انجام اقدامات ضروری باید اطمینان به شرایط سه گانه مذکور حاصل نماید.

تبصره ۱. هرگاه مرد بدون تحصیل اجازه از دادگاه، مبادرت به ازدواج نماید، صحت چنین ازدواجی منوط به تنفیذ دادگاه است. همچنین، مرد علاوه بر مجازات حبس تعزیری

از شش ماه تا یک سال مسئول جبران خسارت‌های مادی و معنوی همسر یا همسران فعلی خود است.

تبصره ۲. هرگاه دادگاه در اثر تقصیر یا اشتباه اجازه‌ی تعدد زوجات را صادر نماید، در صورت تقصیر، مقصر در برابر ضرر مادی یا معنوی همسر یا همسران فعلی زوج ضامن است.

تبصره ۳. هر عاقدی که عالم به ازدواج سابق مرد باشد و اقدام به اجرای صیغه‌ی تعدد زوجات نماید، علاوه بر حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال مسئول جبران خسارت‌های مادی و معنوی همسر یا همسران فعلی زوج است.

تبصره ۴. هر سردفتری که بدون اجازه‌ی دادگاه اقدام به ثبت تعدد زوجات نماید، علاوه بر حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال، مسئول جبران خسارت‌های مادی و معنوی همسر یا همسران فعلی زوج است و به انفصال دائم از شغل سردفتری محکوم می‌شود.
ماده ۲۴ - در موارد زیر رضایت همسر یا همسران فعلی جهت تعدد زوجات لازم نیست، اما در هر صورت اجازه‌ی دادگاه پس از احراز موارد اول و دوم ماده‌ی ۲۳ ضروری است:

۱. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی؛
۲. عدم تمکین زن از شوهر؛
۳. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد؛
۴. محکومیت زن به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که در اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد؛
۵. ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی

خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه‌ی زندگی زناشویی را غیرممکن سازد؛

۶. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن؛

۷. عقیم بودن زن؛

۸. غائب مفقودالاثر شدن زن.

۴. نقد و بررسی ماده‌ی ۲۲ لایحه‌ی حمایت از خانواده (پرداخت مهریه)

تلقی نادرست از فلسفه وجودی و وضعیت حقوقی مهریه و تسامح اکثر زنان در مطالبه و اخذ آن که ضرب‌المثل معروف «کی داده و کی گرفته» را تداعی می‌کند، منجر به این شده است که مردان تعهدی نسبت به پرداخت آن در خود احساس نکنند. لذا اگر آن گونه که ماهیت حقوقی مهر اقتضا دارد در عرف معمول می‌شد، مردان و خانواده‌هایشان با دادن وعده و عیدهای خارج از توان، به راحتی زیر بار مهریه‌های بالا نمی‌رفتند و با تامل بیشتری در این وادی قدم می‌گذاشتند. امروزه مهریه‌های بالا تبدیل به مساله‌ای اجتماعی در جامعه ایران شده است. برخی معتقدند افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج، افزایش چشم و هم‌چشمی‌ها، بالا رفتن هزینه‌ها و تشریفات ازدواج همچون توقع تهیه جهیزه کامل توسط خانواده دختر، مانعی برای رهایی زن از قید زندگی ناموفق و خارج از تحمل است و مهم‌تر از همه افزایش زندانیان مهریه (جمعیت کیفری زندان‌ها) و به تبع آن فروپاشی خانواده‌ها و... را از دیگر کارکردهای منفی مهریه‌های بالا می‌شمارند؛ بنابراین قضاوت در مورد تاثیر حمایت قانونی از مهریه بر استحکام یا فروپاشی خانواده، بستگی به زاویه نگاه ما به موضوع دارد (مهرپور، ۱۳۷۹: ۴۵).

بعد از تصویب قانون جدید حمایت خانواده عموماً این تصور غالب شده است که وصول مهریه به میزان بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن صرفاً منوط به معرفی اموالی از زوج توسط زوجه است ولی جهت اجبار زوج به پرداخت مهریه کمتر از این میزان، امکان اعمال حبس ناشی از محکومیت‌های مالی همچنان باقی است. به موجب ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفندماه ۱۳۹۱: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲

قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت (توانایی مالی) زوج ملاک پرداخت است (جهانگیر، ۱۳۸۶: ۶۸).

به نظر می‌رسد که مفیدتر آن است که از طریق اطلاع‌رسانی حقوقی به زنان و دخترانمان بیاموزیم که محدود کردن میزان مهریه به ضرر آنان نیست بلکه به سودشان است چرا که اگر مردی در ابتدای ازدواج با میزان نامتعارفی از سکه موافقت می‌کند و بعد می‌بیند که عملاً پرداخت آن برایش غیرممکن است، حتی اگر آن خانم او را وادار به پرداخت کند، مرد با سوءرفتار و خشونت رفتاری زن را وادار به بخشش آنچه که برای او تعیین شده است، می‌کند. بنابراین صرف وضع مواد قانونی در مورد مهریه نمی‌تواند عامل خوشبختی باشد، چون اگر طرفین این عقد یعنی زن و مرد دارای تعهدات اخلاقی نباشند، دست به هر کاری می‌زنند که طرف مقابل را به زانو درآورند. در اصل قرار بود مهریه هدیه‌ای باشد که توسط مرد به زن به مناسبت وقوع ازدواج یا پس از آن پرداخت می‌شود. متأسفانه زمینه‌ها و عوامل متعدد اقتصادی، قانونی، همچنین نگاه و بینش صرف مادی از سوی برخی در امر ازدواج موجب شد مهریه تا حدود زیادی از فلسفه اولیه خود خارج شده و به عامل تفاخر، چشم و هم‌چشمی یا ترس از آینده و نداشتن پشتوانه و تأمین مناسب برای روز مبادا تبدیل شود. همین امر قانونگذار را واداشت تا به هدف کنترل و مهار تبعات سوء مهریه‌های غیرمتعارف چتر حمایتی خود را صرفاً به میزان ۱۱۰ سکه بازنگه دارد و مازاد بر آن تعداد، دیگر مشکل مدعی است (ارفعی، ۱۳۷۲: ۵۸).

۵. نقد و بررسی ماده‌ی ۲۱ لایحه‌ی حمایت از خانواده (ثبت ازدواج موقت)

مُتَعَه یا نکاح مُنْقَطِع یا ازدواج موقت که به صیغه نیز معروف است، نوعی از ازدواج در مذهب شیعه است که در آن عقد ازدواج برای مدت معین و محدودی با مهریه‌ای معلوم، بین زن و مرد بسته می‌شود و با پایان آن رابطه‌ی زوجیت خودبه‌خود منقضی می‌شود. در میان مسلمانان در مورد جواز این ازدواج اختلاف نظر است. اهل سنت، اباضیه

و زیدیان آن را حرام و شیعیان امامی آن را مشروع و صحیح می‌دانند
عدم اجبار قانون‌گذار در گذشته بر ثبت ازدواج موقت منجر به این شده بود که در
بسیاری از موارد ازدواج موقت ثبت نشده و زنان در صورت بارداری با مشکل جدی
به‌عنوان اثبات نسب کودکان روبه‌رو شوند. این زنان برای گرفتن شناسنامه فرزندشان هیچ
مدرکی برای اثبات هویت بچه ندارند. در بسیاری از موارد زنان نمی‌توانند ثابت کنند که
فرزندشان حاصل ازدواج موقت است و در موارد متعدد مردان چون مخفیانه ازدواج موقت
کرده‌اند، به محض اینکه متوجه بارداری همسر صیغه‌ای‌شان می‌شوند، رابطه را قطع و
ردشان را پاک می‌کنند. معمولاً در این ازدواج‌ها مردان آدرس دقیقی از خود به زن
صیغه‌ای نمی‌دهند و اگر هم او آدرس جایی را بداند، برای آن که مسئولیت بچه را
نپذیرند، از آن‌جا نقل مکان می‌کنند و هیچ‌وقت سراغی از فرزند خود نمی‌گیرند.

از آنجایی که نظام حقوقی جمهوری اسلامی در جهت محوریت و استواری روابط
خانوادگی نکاح دائم را مبنای تشکیل خانواده می‌داند ما نیز باید تمام توان خود را بکار
گیریم تا ازدواج دائم در جامعه شکل گیرد.

اسلام باب چند همسری را محدود نموده و در عین حال نسبت به آن تذکر داده است
و قرآن مردان را به داشتن چند همسر ترغیب نمی‌کند بلکه آن را محدود و انذار نموده
است و مردان را ترغیب می‌کند به یک همسر اکتفا کنند و می‌فرماید اگر بیم دارید که
نتوانید میان زنان خود به عدالت رفتار کنید پس به یک زن اکتفا کنید. نگارنده به‌عنوان
یک حقوقدان چنین شکلی از ازدواج را توصیه نمی‌کند. مطابق ماده ۲۱ قانون حمایت
خانواده فوق‌الذکر، ثبت ازدواج موقت در موارد بارداری شدن زوجه، توافق طرفین و شرط
ضمن عقد الزامی است. در واقع هر امر پنهانی از جمله ازدواج موقت به ضرر خانواده و
برخلاف شعارهای بشردوستانه است. اینکه ما بگوییم ازدواج موقت در صورت بارداری شدن
زن ثبت شود یعنی تا بارداری شدن زن این شکل از ازدواج می‌تواند پنهان بماند. وهمچنین
برای عدم ثبت صیغه در صورت بارداری شدن زن، ضمانت‌اجرای کیفری برای شوهر

پیش‌بینی نشده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۸۷).

در کل، تمام تشریفات را که قانونگذار پیش‌بینی کرده است عمدتاً مبنی بر این است که سند رسمی قابل استنادی بین طرفین وجود داشته باشد؛ اما اگر نکاح موقت به صورت شفاهی منعقد شده باشد تمامی این حمایت‌ها از بین می‌رود. فرض کنید ازدواج موقتی بدون ثبت و بدون وجود سندی منعقد شود و به دنبال آن یکی از طرفین بعضی از مسائل اخلاقی عقد را منکر شود یا اینکه ادعاها را به شکلی دیگری مطرح کند، در این صورت چگونه می‌توان خلاف آن را ثابت کرد؟ به نظر من تحولات قانون جدید حمایت خانواده حمایت قابل ملاحظه‌ای از ازدواج موقت نکرده است. حتی این امکان وجود داشت که قانون تشکیل مراجعی به جز مراجع رسمی را پیش‌بینی کند که حداقل یک سند ابتدایی بتوان از ازدواج موقت تهیه کرد تا نظارت هم وجود داشته باشد و در مواقع لازم، بتوان به آن دسترسی داشت و به آن استناد کرد؛ در حالی که این موضوع را هم قانونگذار پیش‌بینی نکرده است (آقایی، ۱۳۷۶: ۴۵۷).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱- از ایرادات مطروحه در قانون جدید ماده بحث برانگیز ۲۲ قانون جدید حمایت خانواده می‌باشد. ماده‌ای که در ذهن مردم به شکل خاص مهریه را تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی می‌شناساند. طبق ماده ۲۲ «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است...» ملاحظه می‌گردد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار مشمول ماده ۲ و بیش از آن نیاز به اثبات ملائت و دارابودن زوج است. ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که در آن مجازات حبس برای کسانی که قادر به پرداخت مال مورد بدهی خود نیستند در نظر گرفته است در سالهای گذشته همواره ابزار و اهرم فشاری برای طلبکاران مالی در مسائل خانواده برای پرداخت مهریه بوده است. بنظر می

رسد ماده ۲۲ قانون جدید مشکلی را حل ننماید چرا که اصلاح ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی که در مرداد ماه ۹۱ توسط رئیس قوه قضائیه ابلاغ و اجرا می گردد اصل به عدم امکان حبس زوج است مگر توجه توانایی او را اثبات نماید. طبق بند ج ماده ۱۸ در سایر موارد چنانچه ملالت محکوم علیه نزد قاضی دادگاه ثابت نباشد از حبس وی خودداری و چنانچه در حبس باشد آزاد می شود. اگرچه در این زمینه در محاکم رویه یکسانی وجود نداشته و بعضی بدلیل مخالفت این بخشنامه با قانون به آن عمل نمی نمایند اما این بخشنامه اجرای غالب احکام قطعی دعاوی مالی را متزلزل نموده و حتی در زمینه ماده ۲۲ قانون جدید حمایت نیز قابل اعمال است و می توان به آن استناد کرد، بنابراین همانگونه که ذکر گردید ماده ۲۲ قبل از لازم الاجرا شدن عملاً فاقد کارایی لازم شده است و ۱۱۰ سکه نیز نمی تواند به این امر انسجام خاص دهد....

امادر پایان میتوان این قانون را جزء قوانین با کارنامه خوب دانست چرا اینکه در آن به دردهای موجود در اجتماع و خانواده پرداخته است سعی در پاسخگویی و ایجاد راه حل در مشکلات و معضلات اجتماعی دارد.

۲- از جمله مسائل بحث براگیز در جامعه و مجلس ماده ۲۱ قانون جدید بود که در آن به بحث نکاح موقت اشاره دارد. در این ماده ثبت ازدواج موقت در ۳ مورد الزامی شناخته شده است: ۱- باردار شدن زوجه ۲- توافق طرفین ۳- شرط ضمن عقد. اگر چه قانونگذار تلاش نموده تا بحث نکاح موقت را ساماندهی کند اما بنظر می آید بدلیل اعتراضات فراوان به مقصود خود نائل نیامده است.

۳- ممنوعیت مرد از داشتن همسر دوم در قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ و تجویز رسمی، علنی و قانونی در قانون حمایت از خانواده جدید/ ۹۱: برابر ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳؛ مرد نمی توانست با داشتن زن، همسر دوم اختیار نماید، مگر در موارد ذیل: (رضایت همسر اول، عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر، ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج، محکومیت

زن به پنج سال حبس قطعی یا عجز از پرداخت جزای نقدی و حبس ناشی از آن، ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد مضر، ترک زندگی خانوادگی از طرف زن، عقیم بودن زن، غایب مفقود الاثر شدن زن به ترتیب مقرر در آن ماده). تحقق این مهم و تجویز دادگاه برای اختیار همسر جدید منوط به تحقیق از زن فعلی / نخست و احراز توانائی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ (رضایت همسر اول) برابر بخشی از مفاد ماده ۱۷ آن قانون بوده است. همچنین، طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۷ قانون یاد شده؛ هرگاه مردی با داشتن همسر، بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدوج نماید به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال محکوم می گردد. این مجازات مشمول عاقد و سر دفتر ازدواج و زن جدید نیز می شد، اما در قانون جدید نه تنها الزام و تکلیف بازدارنده مزبور، بنا به دلایل نامعلومی و به کلی حذف گردید، بلکه با ابداعی تدوین کنندگان آن، مرد می توان نسبت به ثبت ازدواج موقت خویش، در صورت وجود شروط مقرر در ماده ۲۱ و یا عدم الزام به ثبت آن، در صورت فقدان وجود موارد مزبور اقدام کرده و بدون رعایت الزامات موصوف مبادرت به ازدواج موقت نماید. بدین ترتیب، ازدواج موقت، صرف الزام به ثبت آن یا عدم الزام به ثبت آن، با فرض فقدان وجود موارد مزبور با حذف عملی مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ و حذف عملی و عینی کلیه حمایت های قانونی مقرر نسبت به زن / همسر اول و ایجاد امکان عملی تعدد زوجات موقت بدون وجود الزامات مزبور و ترویج عینی تعدد زوجات به ترتیب موصوف، برابر قانون اخیر رسمی و قانونی و مجاز شمرده شده است؟! بی آنکه، قانونگذار کنونی به تبعات حاصل از گسترش فراگیر ازدواج موقت در بین مردان و آثار حاصله نسبت به خانواده ها و روابط زوجیت فعلی و سرنوشت زنان و فرزندان آنها و نیز تضمین سلامت آنها و آثار پیدا و پنهان آن بر فرهنگ و سلامت جامعه و بروز نابهنجاری های متعدد حاصل از آن، برخلاف الزامات قانونی مقرر در قانون اساسی و قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ توجهی نموده باشد.

فهرست منابع

- ۱- مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زنان، (تهران: انتشارات اطلاعات)، چاپ اول.
- ۲- آقایی، بهمن (۱۳۷۶)، فرهنگ حقوق بشر، (تهران: گنج دانش)، شماره ۲.
- ۳- ارفعی، عالیہ (۱۳۷۲)، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین المللی، (تهران: وزارت امور خارجه)، جلد ۱.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶)، حقوق خانواده، (تهران: گنج دانش)، جلد ۲.
- ۵- زاهدی - عاطفه - (۱۳۹۲)، قانون حمایت خانواده، (تهران: انتشارات جنگل)، جلد ۳.
- ۶- جهانگیر، منصور (۱۳۸۶)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات دوران).
- ۷- صانع پور، مریم (۱۳۷۸)، بررسی تاریخی منزلت زن، (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی)، چاپ دوم.
- ۸- کدیور، جمیلہ (۱۳۷۵)، زن، (تهران: انتشارات اطلاعات).
- ۹- رهنورد، زهرا (۱۳۶۶)، سفر به دیار زنان، (تهران: انتشارات سروش)